

کاربست پارادایم همکاری با تاکید بر حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل از دو منظر منابع الزام آور و غیر الزام آور

محمدعلی جعفری^{۱*}، مجتبی سلمانی جلودار^۲

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: Mohammadalijafari1404@iau.ac.ir

۲. گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان ایران. رایانامه: Mojtabasalmani218@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

چکیده

یکی از مهمترین مساعی بشر در سده اخیر، تلاش برای طرح، اجرا و کاربست هر چه بهتر از مجموعه قوانین و قواعد حقوقی، سیاسی و اقتصادی با هدف حفاظت از محیط زیست بوده است. در این میان، موضوعی که از منظر عرفی و حقوقی قابلیت بحث و بررسی جدی دارد، اصل تعامل با محوریت حفاظت از محیط زیست است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، کاربست پارادایم همکاری با تاکید بر حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل از دو منظر منابع الزام آور و غیر الزام آور است. سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: «مهمترین کارکرد اصل همکاری بین المللی در موضوع حفاظت از محیط زیست مبتنی بر چه مواردی بوده است؟» فرضیه پژوهش دلالت بر این موضوع دارد که موضوع حفاظت از محیط زیست با تاکید بر اصل همکاری را می توان از دو حیث منابع حقوقی الزام آور و غیر الزام آور مورد بررسی قرار داد. یافته های پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بررسی اسناد حقوقی و بین المللی مرتبط با محیط زیست نشان داد هر یک از منابع الزام آور و غیر الزام آور در راستای تحقق هر چه بهتر اصل تعامل و همکاری در حقوق بین الملل با هدف حفاظت از محیط زیست دارای ابعاد و زوایای مختلفی بوده است که کاربست هر یک، توانسته است بخشی از دغدغه مهم حفاظت از محیط زیست را به سرانجام برساند.

کلید واژه ها: الزامات، بازدارندگی، حقوق بین الملل، محیط زیست، همکاری.

استناد: جعفری، م. ع. و سلمانی جلودار، م (۱۴۰۴). کاربست پارادایم همکاری با تاکید بر حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل از دو منظر منابع الزام آور و غیر الزام آور. *نشریه محیط زیست و توسعه*، ۱۶ (۳۱)، ۱۱۹-۱۳۲. <https://doi.org/10.22034/eiat.2025.250842>



© نویسندگان.

ناشر: انجمن ارزیابی محیط زیست ایران.

سرآغاز

اساساً فرایند صنعتی شدن جوامع و توسعه در ابعاد اقتصادی، آموزشی، بهداشت و درمان، اجتماعی و حتی فرهنگی، گذشته از تحقق رفاه برای حیات بشر، پیامدهای دیگری با ابعاد و پیامدهای مخرب به همراه داشته و آن مجموعه رویدادهای مرتبط با تغییرات و تهدیدات محیط‌زیست بوده است (آریاس^۱ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۸۹). در این رابطه، وقوع برخی حوادث در محیط‌زیست همچون آلودگی دریاها، آلودگی آب‌های زیرزمینی و تغییر و نابودی مراتع، گذشته از تهدیدات بالقوه برای گونه‌های گیاهی و جانوری، سلامت حیات بشر را نیز با تهدیدات مختلفی مواجه نموده است به نحوی که بر اساس آمار رسمی سازمان جهانی بهداشت، بیماری‌هایی که بر اساس مسایل مرتبط با محیط‌زیست دامن‌گیر حیات بشر شده است در خلال سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۴ میلادی بیش از ۳۸۰ درصد رشد داشته است (شیهوامام^۲ و همکاران، ۲۰۲۵: ۷). وقوع چنین تهدیدات چشمگیری، بسیاری از کشورها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را درصدد اتخاذ و اجرای رویکردهای مبتنی بر حراست از محیط‌زیست انداخت (سان و وانگ^۳، ۲۰۲۵: ۴۴۱). یکی از رویکردهای اتخاذ شده در این رابطه، تصویب برخی قوانین و مقررات حقوقی الزام‌آور با هدف حراست از محیط‌زیست بوده است به نحوی که اتخاذ چنین قوانینی تقریباً تمامی کشورها و نهادهای بین‌المللی را مستقیم و غیرمستقیم به رعایت و حفاظت از محیط‌زیست ملزم نموده است (عثمان^۴ و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۳۶).

گذشته از موضوع الزامات حقوقی- قانونی در سطح ملی و بین‌المللی، بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی به موضوع تعامل و همکاری در حوزه محیط‌زیست مبادرت نموده‌اند. این مفهوم با هدف حراست از محیط‌زیست نخستین بار از سوی رابرت اوون^۵، از سوسیالیست‌های اهل بریتانیا مطرح شد. وی این عنوان را در برابر اصطلاح رایج آن دوران یعنی رقابت مورد کاربست قرار داد و معتقد بود، تعامل و همکاری در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبعاتی به مراتب سازنده‌تر برای توسعه حیات بشر به همراه خواهد داشت (تاتار^۶ و همکاران، ۲۰۲۴: ۵۱۱). به بیانی دیگر، تعامل و همکاری در موضوعات مختلف همچون محیط‌زیست، اولاً با ذات و جوهره حیات اجتماعی بشر که مبتنی بر تعامل و همکاری است سازگاری داشته و ثانیاً همکاری و تعامل بر اساس ضرورت حیات بشر نیز قابلیت بحث دارد، زیرا اصل تعامل میان بشر، در پدیده‌ها و بحران‌های طبیعی و اجتماعی، سبب حل و فصل زودتر آن مشکلات و بحران‌ها خواهد شد (کاروپاسامی^۷ و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۷۷). این موضوع، یعنی اصل تعامل و همکاری میان بشر، با توجه به توسعه یافتن حیات بشر، افزایش جمعیت، افزایش مسایل اقتصادی و اجتماعی، ضرورت بیشتری یافته است. بنابراین با توجه به توسعه چندجانبه وضعیت حیات بشر، بایستی میزان و حجم تعاملات نیازمند سازمان یافتگی، مقررات و قوانین جامعی باشد تا اولاً بتوان بر اساس آن، به فهم و درک مشترکی از اصول مرتبط با موضوعات مختلف دست یافت و ثانیاً راهکارهای نیل به آن اهداف مشخص نیز مورد ارزیابی قرار گیرد تا بشر بتواند اهداف موردنظر خود را به بهترین نحو پیاده‌سازی نموده و در عین حال، کمترین آسیب را به محیط خود وارد نماید.

این موضوع، یعنی توسعه همکاری با هدف حراست از محیط‌زیست قابلیت بحث و ارزیابی دارد. از یک سو، دولت‌ها در موضوع محیط‌زیست دارای قوانین و مقررات مختلف، متنوع و بعضاً متضادی هستند و از سویی دیگر، به رغم حاکمیت مستقل دولت‌ها، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست قابلیت اثربخشی در راستای تعامل و همکاری در این زمینه را داراست. لذا، دولت‌ها با موضوعیت حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و بر اساس اصل حسن نیت، توانایی اتخاذ و اجرای دقیق رویکردها و قوانین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را دارند.

با این مقدمات، مساعی نویسندگان در پژوهش حاضر، بحث و بررسی پیرامون موضوع تعامل و همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها با هدف حراست از محیط‌زیست و چگونگی پیاده‌سازی اصول مرتبط با آن در ابعاد بین‌المللی است. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: «جایگاه تعامل و همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست چگونه است؟» و در ادامه «کارکرد اصل تعامل و همکاری در

1. Arias
2. Shehu Imam
3. Sun and Wang
4. Usman
5. Robert Owen
6. Tatar
7. Karuppasamy

حقوق بین الملل محیط زیست تا چه میزان توانسته است از آسیب های محیط زیستی جلوگیری به عمل آورد؟» فرضیه پژوهش دلالت بر این موضوع دارد که الزام دولت ها به همکاری و تعامل در موضوع محیط زیست، ریشه در حقوق بین الملل عمومی دارد و بنابراین وجود هزاران معاهده بین المللی اعم از معاهدات دوجانبه، چندجانبه، منطقه ای و جهانی، نیاز به همکاری با دیگر دولت ها را در سطوح مختلف، از جمله محیط زیست نمایان می سازد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و استفاده از اسناد حقوق بین الملل و منابع دست اول کتابخانه ای به سوال اصلی پژوهش خواهد پرداخت. بر این اساس، ابتدا ادبیات نظری پژوهش کنونی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، سپس، برخی از جدیدترین پژوهش های مرتبط با این حوزه مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت و در ادامه ضمن تبیین وجوه نوآوری پژوهش حاضر به بحث اصلی مبادرت نموده و در نهایت نیز در قالب نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات، پژوهش حاضر را به پایان خواهیم رساند.

ادبیات نظری

همکاری در حقوق بین الملل محیط زیست

همکاری، یکی از اصول مهم حقوق بین الملل محسوب می شود که حیطة کاربرد آن در مسایل مختلف از جمله محیط زیست اثرات قابل توجهی دارد. مفهوم همکاری در حقوق بین الملل اساساً دلالت بر نوعی تعامل و تعهد به صورت عرفی دارد اما منشور حقوق ملل متحد بر اساس اصل ۱۹۴۵۱ به تفصیل و تشریح آن مبادرت نموده است. بر اساس ماده یک و بند سوم این اصل، موضوع همکاری بین المللی در مسایل مختلف از جمله موضوعات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که بر موضوع بشردوستانه استوار بوده و مسایلی همچون حقوق بشر، آزادی بشر و احترام متقابل به حقوق انسان ها را مورد توجه قرار داده است، فارغ از مذهب، نژاد، زبان و جنسیت بایستی همواره رعایت شود (ژیلا^۸ و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۰). از طرفی، بر اساس ماده یازدهم از فصل چهارم این منشور، اصول کلی مرتبط با همکاری بین المللی، در راستای تامین صلح و امنیت جهانی با تاکید بر مسایلی همچون خلع تسلیحات غیرمجاز قابل بررسی دارد. در مسایل سیاسی نیز اصول همکاری بین المللی با هدف رعایت حقوق بشر، موضوعات مرتبط با آزادی، عدم تبعیض، عدم شکنجه و رعایت حقوق اقلیت ها مورد تاکید قرار گرفته است (کیلیچ^۹، ۲۰۲۵: ۱۲۱). بر اساس ماده ۵۵ از فصل نهم منشور، اصل همکاری و تعامل اقتصادی و اجتماعی در ابعاد بین المللی در راستای تحقق هر چه بهتر مسایل آموزشی، بهداشتی و درمانی، توسعه اقتصادی با تاکید بر اصل روابط مبتنی بر مسالمت آمیزی و دوستانه و احترام متقابل مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. از طرفی بر اساس ماده ۵۶ همین منشور تاکید شده است تمامی اعضا متعهد می شوند در راستای تحقق هر چه مناسب تر اصل ۵۵، به اقدامات جمعی یا حتی فردی لازم و اثربخش متوصل شوند (ابطحی، ۱۴۰۰: ۱۱). نهایتاً بر اساس بند پ ماده ۷۳ از فصل یازدهم منشور، ارتقای اقدامات و فعالیت های سازنده، اثربخش و مبتنی بر توسعه از تعهدات اساسی اعضای سازمان ملل محسوب شده و بنابراین در راستای تحقق این مهم در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تمامی اعضا ملزمند مجموعه اقدامات لازم علمی را پذیرفته و مورد کاربست قرار دهند و در ادامه نیز به تعامل و تبادل و همکاری علمی با یکدیگر توصیه شده اند (لو و چن^{۱۰}، ۲۰۲۴: ۸۰۴).

بنابراین بایستی اذعان داشت اگر چه مفهوم تعامل و همکاری از همان ابتدا به مثابه یک اصل بنیادین و الزام آور مورد توجه نبوده است اما واقعیت این است مجموعه نیازهای متغیر و روزافزون بشر، دولت ها را به سمت و سوی همکاری و تعامل سوق داده است. بنابراین اصل همکاری در ادامه بر اساس نیاز کشورها به اصلی الزام آور بر اساس منشور سازمان ملل مبدل گردید (پینا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۳). در واقع سازمان ملل متحد سعی دارد بر اساس اصل همکاری، به ارائه راهکارهایی واقع بینانه و مناسب در موضوعات قابل بحث و چالش برانگیزی همچون تروریسم، مبارزه با مفاسد اقتصادی و نهایتاً نیل به صلحی پایدار در ابعاد بین المللی دست یابد. در این راستا، سازمان

8. Xia

9. Kılıc

10. Luo and Chen

11. Pina

ملل متحد به صدور قطعنامه‌های متعددی همچون قطعنامه ۱۰۴۳ و با هدف تحقق همکاری بین‌المللی فرهنگی، قطعنامه ۶۶.۲۲۷ با هدف همکاری بین‌المللی در موضوع کمک‌های بشردوستانه در هنگام فجایع طبیعی، قطعنامه ۶۶.۲۲۶ با هدف همکاری بین‌المللی در راستای برقراری صلح و قطعنامه ۶۶.۱۵۷ با هدف همکاری در موضوع حقوق بشر و تعداد بسیار زیادی دیگر از قطعنامه‌ها با هدف ارتقای همکاری‌های بین‌المللی مبادرت نمود (ژائو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۴: ۶۹۳).

بحث و بررسی؛ اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر اساس دو منبع الزام‌آور و غیرالزام‌آور

منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را می‌توان بر اساس دو منبع الزام‌آور و غیرالزام‌آور مورد بحث و بررسی قرار داد.

- اصل همکاری بر اساس منابع الزام‌آور

- معاهدات و پروتکل‌های مرتبط با موضوع محیط‌زیست

معاهدات بین‌المللی نخستین منبع موثق در موضوع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شود. در کنوانسیون وین در سال ۱۹۶۹ و در بند ۲ آن، مفهوم معاهده به این صورت تعریف شده است: «معاهده، یک توافق بین‌المللی انعقاد شده میان دولت‌هاست که به‌نحو مکتوب تنظیم شده و مشمول حقوق بین‌الملل است، صرف‌نظر از عنوان خاص آن و اعم از این که در سندی واحد یا چند سند مرتبط به هم باشد». مطابق تعریف مذکور، معاهدات بین‌المللی، با هدف تنظیم، تدوین و اجرای مقررات و قوانین معین و در راستای مشخص نمودن مجموعه وظایف و تکلیف متقابل میان دول در زمینه‌های مختلف صورت می‌پذیرد (کاسیه^{۱۳}، ۲۰۲۴: ۶). از این‌رو، معاهدات بین‌المللی، همکاری بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حفاظت محیط‌زیست را به مثابه یکی از الزامات و تکالیف بین‌المللی دولت‌ها به رسمیت شناخته که ذیلاً به چند نمونه اشاره خواهیم نمود:

- معاهدات در سطوح جهانی

بند اول ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹ چنین مقرر داشته است: «طرف‌های متعاقد بایستی اقدامات لازم را در راستای حفاظت از این قبیل گونه‌ها و زیستگاه‌های آنان، به صورت انفرادی و یا با همکاری دیگران به انجام برسانند». همچنین، در بند ۲ همان ماده تاکید شده است: «اعضا بایستی تحقیقات مربوط به گونه‌های مهاجر را ارتقا داده، در آن همکاری نموده و از آن حمایت نمایند». همچنین در ماده ۱۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تصریح شده است که: «دولت‌ها به‌منظور حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی بر یک مبنای جهانی و عندالاجتضای منطقه‌ای، به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان‌های صلاحیت‌دار بین‌المللی، برای وضع و تهیه قواعد، معیارها و روش‌ها و رویه‌های توصیه شده بین‌المللی منطبق بر این کنوانسیون، با در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه، همکاری خواهند نمود» (طیبی، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۵). علاوه بر آن، در کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون ۱۹۸۷ در ماده ۲ تحت عنوان مقررات عمومی صراحتاً اعلام شده است که: «همکاری میان اعضا می‌بایست از طریق مشاهدات، پژوهش و مبادله اطلاعات به‌طور منظم جهت فهم بهتر و ارزیابی اثرات فعالیت‌های انسان بر لایه اوزون و اثرات تغییرات لایه ازن بر سلامت انسان و محیط‌زیست، اتخاذ تدابیر مناسب و همکاری در هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌های شایسته جهت کنترل فعالیت‌های انسانی که یقیناً یا احتمالاً موجب اثرات سوء بر لایه اوزون می‌باشند، همکاری در تدوین اقدامات و رویه‌ها به‌منظور تصویب پروتکل‌ها، همکاری با ارگان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی جهت اجرای مؤثر این کنوانسیون باشد» (لی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۵: ۲۱۲-۲۱۵).

در کنوانسیون بازل و بر اساس ماده ۱۰، موضوع کنترل و دفع مواد زاید و خطرناک مورد بحث واقع شده است: «اعضای کنوانسیون بایستی در راستای بهبود و اداره صحیح زباله‌های مضر و سایر مواد خطرناک از لحاظ محیط‌زیستی با یکدیگر همکاری کنند». در ادامه

12. Zhao

13. Kassie

14. Li

نیز بر اساس بند ۵ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی به اصل همکاری بین‌المللی اشاره شده است: «کشورهای توسعه یافته بایستی تمامی اقدامات لازم را به منظور ترغیب، تسهیل و تامین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فناوری کامل و معقول محیط‌زیستی به سایر اعضا، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، و با هدف ارتقای توان آنها انجام دهند. آنها همچنین باید از توسعه و ارتقای فناوری‌ها و قابلیت‌های کشورهای در حال توسعه حمایت‌های لازم را به عمل آورند». بر این اساس، اصل تعامل و همکاری در اینجا با محوریت مسایل علمی و فناوری مورد تاکید قرار گرفته است. بر اساس ماده ۲۰ کنوانسیون مزبور: «کشورهای توسعه یافته بایستی منابع مالی جدید را فراهم نموده تا کشورهای در حال توسعه بتوانند کلیه فرایندهای افزون بر موارد مورد توافق را، در ارتباط با انجام اقدامات لازم، مطابق با تعهدات این کنوانسیون تامین کنند». ماده مذکور اصل همکاری و تعامل را بر اساس کمک‌های مالی مطرح نموده است (نادری، ۱۴۰۰: ۱۷۱-۱۷۲). همچنین بر اساس ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد با هدف بیابان‌زدایی ۱۹۹۴، در خصوص کشورهایی که به صورتی جدی با بحران خشکسالی و موضوع بیابان‌ها مواجهند تحت عنوان «تعهدات عمومی» تصریح شده است که: «اعضا بایستی همکاری میان کشورهای مبتلا به زمینه‌های حفاظت از محیط‌زیست و حفاظت از منابع آب و خاک و نیز همکاری‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را توسعه دهند». در ماده ۱۱ کنوانسیون و با عنوان همکاری بین‌المللی این گونه آمده است: «طرف‌های معاهده بایستی با جامعه بین‌المللی، همکاری و تعامل لازم را به انجام رسانند تا بتوان از اعتلای یک محیط‌زیست بین‌المللی جهت اجرای مفاد این کنوانسیون اطمینان یافت. این همکاری بایستی زمینه انتقال فناوری و نیز تحقیقات و توسعه علمی، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را تحت پوشش خود قرار دهد». همکاری‌های فنی و علمی در مواد ۱۶ و ۱۷ نیز مورد تاکید قرار گرفته است (کوجیما^{۱۵}، ۲۰۲۳: ۸۷۱-۸۷۴). از این رو اصل همکاری بین‌المللی به مثابه یک الزام و تکلیف برای دولت‌ها و با هدف حراست و حفاظت از محیط‌زیست مقرر شده است.

– معاهدات بین در سطوح منطقه‌ای

با توجه به این که دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای، منافع مشترکی برای همکاری دارند و رعایت اصل همکاری برای حفاظت محیط‌زیست منطقه‌ای دولت‌ها، حائز اهمیت است، در بسیاری از اسناد منطقه‌ای این اصل مورد توجه قرار گرفته است، از جمله کنوانسیون حفاظت از دریای مدیترانه در برابر آلودگی، بارسلون، ۱۹۷۶ که در مواد ۴، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۲۱ به همکاری میان اعضا برای حفاظت از محیط‌زیست دریای مدیترانه اشاره دارد. همچنین، پروتکل مربوط به همکاری برای مبارزه با آلودگی دریای مدیترانه توسط نفت و سایر مواد مضر در وضعیت‌های اضطراری، بارسلون، ۱۹۷۶، در مواد ۱، ۳، ۴ و ۵ آن، اصل همکاری را مدنظر قرار داده است. در کنوانسیون همکاری، حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی و سواحل در منطقه آفریقای غربی و مرکزی، نایروبی، ۱۹۸۱ نیز، مواد ۴، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۳ مرتبط با اصل همکاری می‌باشند (کینگزلی جان^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۵: ۴۴-۴۵). علاوه بر آن، می‌توان موافقتنامه همکاری منطقه‌ای به منظور مبارزه با آلودگی جنوب شرقی اقیانوس آرام به‌وسیله هیدروکربن‌ها و سایر مواد مضر در موارد اضطراری، ۲۱۹۸۱ و نیز کنوانسیون همکاری چندجانبه شیلات آتلانتیک شمال غربی، پاریس، ۳۱۹۷۸ که در مواد ۶ و ۱۷ بر همکاری میان اعضا تاکید می‌ورزند، را نام برد. نمونه دیگر در این زمینه، کنوانسیون منطقه‌ای کویت است که با هدف همکاری در خصوص حفاظت از محیط‌زیست دریایی از آلودگی (راپمی)، در سال ۱۹۷۸ ایجاد شد. همچنین، پروتکل مربوط به همکاری در مبارزه با آلودگی دریایی در موارد اضطراری در منطقه آفریقای شرقی، ۱۹۸۵، در مواد ۳ و ۹ به همکاری میان اطراف متعاهد، به‌منظور به‌کارگیری اقدامات مقتضی و جلوگیری از آلودگی دریایی در این منطقه می‌پردازد. کنوانسیون مربوط به همکاری در حفاظت و توسعه پایدار محیط‌زیست دریایی و ساحلی شمال شرقی اقیانوس آرام ۲۰۰۲، مواردی همچون استقرار همکاری منطقه‌ای، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، تشویق دولت‌ها به همکاری، همکاری در موارد اضطراری، همکاری در ارزیابی محیط‌زیستی و همکاری برای دستیابی به یک مدیریت محیط‌زیستی و ... را مقرر داشته است. کنوانسیون

15. Kojima

16. Kingsley John

چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریایی خزر ۲۰۰۳ در ماده ۶ تحت عنوان تعهد به همکاری و در ماده ۱۸ تحت عنوان همکاری میان طرف‌های متعاقد کشورهای حاشیه خزر را به همکاری به صورت دوجانبه یا چندجانبه ملزم نموده است. در نهایت، معاهده همکاری آمازون ۱۹۷۸ در مواد ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۰ به همکاری میان اطراف معاهده، به منظور هماهنگ‌سازی توسعه حوزه رودخانه آمازون و حفاظت از محیط‌زیست این منطقه، از طریق استفاده و بهره‌برداری منطقی و معقولانه از منابع آن، اشاره دارد (پولو ویلانوا^{۱۷} و همکاران، ۲۰۲۵: ۲۰۶-۲۰۳). بنابراین، ملاحظه می‌شود که دولت‌ها در راستای حفاظت محیط‌زیست منطقه‌ای خود، دارای انگیزه‌های مضاعفی بوده و این قبیل اسناد در خصوص همکاری‌های منطقه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، نشان‌دهنده اهمیت این اصل، در این رشته حقوقی است.

آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی

اصل همکاری، در آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی دیگر نیز مورد استناد قرار گرفته است. بر همین اساس، دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اختلاف میان دولت‌های مجارستان-اسلواکی در قضیه گابسیکوو-ناگیماروس ۱۹۹۷ تصدیق می‌کند که دولت اسلواکی به علت «عدم همکاری بر اساس حسن نیت» تعهدات خود، تحت عنوان حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. همچنین، دیوان در خصوص اختلاف دولت آرژانتین با اروگوئه، در خصوص صدور و اعطای مجوز به یک کارخانه در کنار رودخانه اروگوئه و نگرانی از خطرات احتمالی ناشی از آن، موجب شد تا آرژانتین در ۴ می ۲۰۰۶ دعوی را علیه اروگوئه در دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح نماید. آرژانتین در دادخواست خود، مدعی گردید که اروگوئه تعهدات قراردادی خود را در خصوص رودخانه اروگوئه نقض کرده است. دیوان در رأی خود به اصول مختلفی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره نمود. در ابتدا، دیوان اصل بار اثبات دعوا بر دوش مدعی است را در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مطرح می‌سازد و آرژانتین را موظف به ارائه اسنادی مبنی بر نقض اساسنامه رودخانه می‌کند. سپس، دیوان به ماهیت کمیسیون اداره رودخانه اروگوئه می‌پردازد و آن را برای تحقق تعهد به همکاری مذکور در ماده ۱ اساسنامه، لازم و ضروری می‌داند. از سوی دیگر، دیوان تعهد به اطلاع‌رسانی به کمیسیون را از اسباب همکاری میان اطراف معاهده می‌داند (ایلوپولو^{۱۸} و همکاران، ۲۰۲۵: ۸-۶). همچنین، در قضیه ماکس (ایرلند علیه انگلیس)، رأی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در سوم دسامبر ۲۰۰۱ نشان داد، که تعهد به همکاری قانوناً می‌تواند قابل اجرا باشد. ایرلند با استناد به ماده ۱۲۳ کنوانسیون حقوق دریاهای به این مطلب اشاره کرد که دولت‌ها در زمینه اعمال حقوق و اجرای تعهدات و تکالیفشان می‌توانند با یکدیگر همکاری نمایند. دیوان در این قضیه این گونه نتیجه‌گیری کرد که کنوانسیون حقوق دریاهای و حقوق بین‌الملل عمومی به منظور جلوگیری از آلودگی دریاهای از طریق اتخاذ اقدامات موقتی، موظف به همکاری با یکدیگر می‌باشند (زاکاری^{۱۹} و همکاران، ۲۰۲۵: ۲۲۹-۲۲۶).

اصل همکاری بر اساس حقوق غیرالزام‌آور

گرچه حقوق نرم الزام‌آور نیستند، ولی این منابع توانسته‌اند تا حد زیادی بر توسعه و گسترش حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تأثیر داشته باشند، از این رو به برخی از اسناد غیر الزام‌آور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست اشاره خواهیم کرد:

اصل همکاری در اعلامیه‌های بین‌المللی

اصل همکاری در چندین سند بین‌المللی در رابطه با محیط‌زیست مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، چنین اعلام نموده است: «تمامی کشورها اعم از کوچک و بزرگ باید موضوعات بین‌المللی راجع به حفاظت و بهبود محیط‌زیست را با روحیه همکاری و بر پایه مساوات، رسیدگی کنند. همکاری از طریق قراردادهای دوجانبه، چندجانبه یا دیگر طرق مقتضی در جهت

17. Polo-Villanueva

18. Iliopoulou

19. Zakari

کنترل، جلوگیری، کاهش و یا از بین بردن مؤثر اثرات زیانبار محیط‌زیستی ناشی از فعالیت‌های انجام شده در تمامی زمینه‌ها، با توجه کافی نسبت به حق حاکمیت و منافع همه دولت‌ها ضروری است». این اصل با همان مضمون، مجدداً در منشور جهانی طبیعت در سال ۱۹۸۲ مورد تایید قرار گرفته است. طبق این منشور، دولت‌ها بایستی در نگهداری از طبیعت، ضمن فعالیت‌های مشترک و دیگر عملیات مناسب با یکدیگر همکاری نمایند. این همکاری شامل تبادل اطلاعات و مشاوره نیز خواهد بود. از سوی دیگر، به موجب این منشور دولت‌ها بایستی برای محصولات و فرایندهای صنعتی‌ای که ممکن است آثار زیانباری بر روی محیط‌زیست داشته باشند، استانداردهایی را تصویب و نیز روش‌های همکاری موثری را فراهم نمایند (برینگن^{۲۰}، ۲۰۲۴: ۴۱۶-۴۱۷). با تاکید بر نقش ویژه بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، اصل ۷ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ راجع به محیط‌زیست و توسعه اعلام داشته است: «کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند، تا هیچگونه آسیب و آلودگی محیط‌زیستی حاصل نشود و وحدت محیط‌زیستی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد» همکاری در جهت حفاظت محیط‌زیست در این اصل بر این مفهوم تکیه دارد که کلیه کشورهای مسئولیت مشترک دارند، اما مسئولیت هر یک از آنها در قبال این امر متفاوت است که در واقع، اشاره مستقیمی به مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها دارد. اصل ۳۵ بیانیه ژوهانسبورگ (بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدار) ۲۰۰۲ نیز بر این موضوع تاکید دارد که: «ما متعهد به همکاری با یکدیگر هستیم تا با اتحادی برخاسته از تصمیمی مشترک برای نجات سیاره خود، توسعه انسانی را ارتقا بخشیده و به صلح و سعادت جهانی دست یابیم» (پلاسی و توروک^{۲۱}، ۲۰۲۵: ۱۰۰-۹۹). بنابراین، با این که اسناد غیرالزام‌آور به تنهایی فاقد ضمانت اجرا در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشند، اما واقعیت این است که توانسته‌اند تا حد زیادی به توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کمک نمایند.

- اصل همکاری در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قطعنامه‌های متعددی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره الزام دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست وجود دارند که به‌طور خلاصه به چند مورد از آنها اشاره خواهیم کرد:

قطعنامه ۲۹۹۵ (۱۹۷۲) با عنوان همکاری میان دولت‌ها در زمینه محیط‌زیست اعلام داشته است: «با در نظر گرفتن اصل ۲۰ اعلامیه استکهلم، دولت‌ها در اعمال حاکمیت خود بر منابع طبیعی‌شان بایستی از همکاری‌های دو و چندچانه موثر و یا از طریق تشکیلات و سازمان‌های منطقه‌ای در راستای حفظ و توسعه محیط‌زیست بهره جویند. دولت‌ها در اکتشاف، بهره‌برداری و توسعه منابع طبیعی‌شان نباید اثرات جدی و مخربی در مناطق خارج از قلمرو سرزمینی‌شان به بار آورند» (لیواس و بوتس^{۲۲}، ۲۰۲۵: ۱۸۸). قطعنامه ۲۹۹۷ (۱۹۷۲) با عنوان اتخاذ ترتیبات مالی و ترویجی در راستای همکاری بین‌المللی محیط‌زیستی بیان می‌دارد که: «برنامه‌های همکاری بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست بایستی با در نظر گرفتن حق حاکمیت دولت‌ها و مطابق با منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، صورت گیرد» (همان: ۱۹۱). در این قطعنامه، استقرار شورای حکام، دبیرخانه و صندوق محیط‌زیست برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد، پیش‌بینی شده است که این قطعنامه، یکی از وظایف و مسئولیت‌های شورای حکام را، ترویج همکاری بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست می‌داند. قطعنامه ۳۱۲۹ (۱۹۷۳) با عنوان همکاری محیط‌زیستی در ارتباط با منابع طبیعی مشترک میان دو یا چند کشور تصریح می‌کند که: «اطمینان از همکاری موثر بین کشورها از طریق استقرار معیارهای بین‌المللی مناسب برای حفاظت و برقراری تعادل در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک بین دو یا چند کشور لازم و ضروری است. همکاری بین‌المللی چنین کشورهایی باید بر اساس یک سیستم اطلاع‌رسانی و مذاکرات قبلی در چارچوب روابط معمولی میان آنها باشد و دولت‌ها در چارچوب روابط متقابل خود بایستی مقررات قطعنامه حاضر را در نظر بگیرند». قطعنامه‌های دیگری نیز در سال‌های ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱، ۱۹۸۲، ۱۹۸۳، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ همگی در خصوص همکاری محیط‌زیستی می‌باشند. همچنین چندین قطعنامه در مورد همکاری بین‌المللی در جهت استفاده صلح‌آمیز از

20. Beringen

21. Plasse and Torok

22. Livas and Butts

فضای ماوراء جو وجود دارد. علاوه بر موارد یاد شده، اصل همکاری بین‌المللی با اصول دیگری از قبیل اصل همکاری در شرایط اضطراری و اصل اطلاع‌رسانی در فعالیتهای دارای اثرات احتمالی فرامرزی مرتبط است و الزامات و تعهدات عمومی دولت‌ها در خصوص همکاری بین‌المللی شامل اصول فوق نیز می‌گردد (مسعودی‌فر، ۱۴۰۳: ۱۵۳-۱۵۵).

با توجه به موارد فوق، منابع الزام‌آور و غیرالزام‌آور محیط‌زیستی، سعی در رشد و توسعه همکاری بین‌المللی در میان دولت‌ها دارند، زیرا هدف نهایی اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حفاظت یا کاهش هرگونه تخریب و آلودگی محیط‌زیستی است که بایستی به هر طریق ممکن اقدام گردد. بنابراین، با این که مصادیق الزام همکاری بین‌المللی در اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور فوق، ذکر گردید، ولی به نظر می‌رسد مبنای حقوقی اصل همکاری بین‌المللی، عرفی است و ذکر مصادیق آن در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ناظر بر شیوه‌ها و روش‌های اجرای اصل همکاری بین‌المللی است.

- اجرای اصل همکاری در سطوح منطقه‌ای و جهانی

• اجرای اصل همکاری در سطح جهانی با تاکید بر پروتکل کیوتو

در خصوص اصل همکاری در پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ نیز باید خاطر نشان شویم که کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیم در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به هنگام برگزاری اجلاس ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه معروف به اجلاس سران زمین برای امضا گشوده شد و هدف آن، جلوگیری از افزایش درجه حرارت کره زمین، از طریق کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطحی که از تداخل خطرناک فعالیتهای بشر با سیستم آب‌وهوایی جلوگیری نماید، بود. در اولین کنفرانس اعضا، محل دائمی دبیرخانه کنوانسیون، شهر بن در کشور آلمان تعیین گردید و در سومین COP نیز که در سال ۱۹۹۷ در شهر کیوتو کشور ژاپن برگزار گردیده بود پروتکل کیوتو به امضا رسید. این کنوانسیون دارای چند نهاد فرعی است که عبارتند از: ارگان فرعی برای مشاوره علمی و فناوری که وظیفه آن جمع‌آوری اطلاعات علمی و فنی مربوط به موضوع معاهده و پیشنهاد سیاست‌های مورد نیاز به کنفرانس اعضا است. ارگان دیگر، ارگان فرعی برای امور اجرایی است که نحوه اجرای معاهده و تصمیمات کنفرانس اعضا را بررسی و ارزیابی می‌کند. گروه فرعی دیگر کارگروه‌های ویژه‌ای است که با تصمیم کنفرانس اعضا تشکیل گردید و وظیفه آن بررسی کفایت تعهدات معاهده می‌باشد. حاصل فعالیت این گروه فرعی، پروتکل کیوتو بود که در سال ۱۹۹۷ به امضا رسید. مطابق پروتکل کیوتو کشورهای ضمیمه یک این کنوانسیون (کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به انضمام کشورهای اروپای مرکزی و شرقی) موافقت کردند که انتشار شش گاز گلخانه‌ای خود را حداقل و روپهم رفته ۵ درصد نسبت به سال ۱۹۹۰ و در دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۲ کاهش دهند. پروتکل کیوتو برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، رویکردهای جدیدی بنیان نهاد؛ نظیر تجارت انتشار، اجرای مشترک که بین کشورهای توسعه یافته می‌تواند اجرا شود و مکانیسم توسعه پاک برای تشویق اجرای پروژه‌های مشترک کاهش انتشار، بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. دستیابی به این اهداف بدون همکاری میان کشورهای عضو امکان‌پذیر نخواهد بود. پروتکل کیوتو بالاخره بعد از ۷ سال چالش در بین کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. ایران همانند کشورهای در حال توسعه مطابق مفاد معاهده تغییرات آب‌وهوا و پروتکل کیوتو، تعهدی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای ندارد ولی می‌تواند در پروژه‌های مکانیسم توسعه پاک، همکاری و مشارکت نموده و یا به صورت داوطلبانه در خصوص برآورد ملی انتشار گازهای گلخانه‌ای خود اقدام کند (کارخانه، ۱۴۰۱: ۸۳-۸۵).

• اجرای اصل همکاری در سطح منطقه‌ای

اجرای اصل همکاری در حوزه رودخانه‌های آمازون و راین را می‌توان به مثابه نمونه‌های اثربخش و موفق در زمینه همکاری منطقه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب نمود:

- همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت محیط‌زیست رودخانه آمازون (۱۹۷۸)

در سال ۱۹۷۸ موافقتنامه‌ای میان دولت‌های بولیوی، برزیل، کلمبیا، اکوادور، گویان، پرو، سورینام و ونزوئلا با عنوان معاهده آمازون منعقد گردید. هدف از چنین معاهده‌ای، هماهنگ‌سازی توسعه حوزه رودخانه آمازون و حفاظت محیط زیست از طریق استفاده منطقی و معقولانه از منابع آن بود. کشورهای این معاهده به منظور ایجاد همکاری مستمر و مداوم در زمینه تحقیقات علمی و تکنولوژیکی با هدف ایجاد شرایطی مناسب به منظور تسریع توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه آمازون با یکدیگر توافق نمودند. این توافق در راستای دستیابی به اهدافی مانند هماهنگ‌سازی اطراف معاهده با برنامه‌های توسعه‌ای و تحقیقاتی منطقه آمازون، ایجاد و تاسیس موسسات تحقیقاتی یا مراکزی برای توسعه و تولیدات محصولات آزمایشی و ایجاد سازمانی به منظور برگزاری سمینار و کنفرانس‌ها، تبادل اسناد و اطلاعات و انتشار اخبار صورت پذیرفت. کشورهای عضو معاهده در هر زمانی که لازم و مناسب بدانند، می‌توانند از آژانس‌های بین‌المللی در اجرای مطالعات، برنامه‌ها و پروژه‌ها با توجه به روش‌های همکاری علمی و تکنیکی تعیین شده در این کنوانسیون، درخواست مشارکت نمایند. از سوی دیگر، دولت‌های عضو می‌بایست در راستای توسعه صنعت گردشگری در مناطق مختلف آمازون، بدون ورود هیچ‌گونه خدشه به مقررات ملی برای حفاظت از فرهنگ‌های بومی و منابع طبیعی همکاری‌های لازم را با یکدیگر ترتیب دهند. علاوه بر آن، این کنوانسیون، حق اعضا را به ایجاد موافقتنامه‌های دو و چندجانبه در موضوعات عام و خاص محدود نمی‌کند، بدین شرط که با اهداف همکاری در منطقه آمازون مغایر نباشد. در نهایت آن که وزیران امور خارجه کشورهای عضو این معاهده می‌توانند جلساتی را در زمان‌های مناسب و مواقع ضروری به منظور استقرار سیاست‌های عمومی و مشترک برای ارزیابی توسعه عمومی یا روند همکاری در منطقه آمازون برای تصمیم‌گیری در رابطه با اجرای اهداف مصوب کنوانسیون مذکور، ترتیب دهند (کیس، ۱۳۹۸: ۹۴-۹۶).

از نظر ساختاری نیز، شورای همکاری رودخانه آمازون در چارچوب این کنوانسیون بنا گردیده است. این شورا در راستای اجرای اصل همکاری در وسعت منطقه آمازون شکل گرفت که از نمایندگان سطح بالای دیپلماتیک که می‌بایستی هر سال تشکیل جلسه دهند، تشکیل شده است. وظایف این شورا عبارت است از: اطمینان از اعمال و اجرای اهداف کنوانسیون، مسئولیت اجرای تصمیمات اتخاذی در جلسات وزرای امور خارجه، توصیه به اعضا برای برگزاری جلسات وزرای امور خارجه و تنظیم مکاتبات آنها، توجه به ابتکارات و برنامه‌های تهیه شده توسط اعضای کنوانسیون، ارزیابی نحوه اجرای برنامه‌های دو یا چندجانبه منطقه آمازون و تنظیم قواعد و مقررات برای اقدامات مناسب. از نظر ماهوی نیز، اصول معاهده آمازون عبارتند از: استفاده دقیق و محتاطانه از منابع آب منطقه، حق هر یک از طرفین در توسعه سرزمین خود در حوزه آمازون تا آنجا که تاثیر زیان‌آوری بر سرزمین‌های سایر اعضا نداشته باشد، کشتیرانی آزاد در تمام رودخانه‌های منطقه، بهبود و پیشبرد امر بهداشت و ایجاد زیربنای حمل‌ونقل (ترابری) و ارتباطات، تشویق تلاش‌های پژوهشی مشترک و ترویج توریسم. معاهده آمازون مثال برجسته‌ای است از این که دولت‌های منطقه چگونه می‌توانند با وجود نظام‌های سیاسی و اجتماعی متفاوت، برای مقابله با مسایل و مشکلات مشترک با یکدیگر متحد شوند. این معاهده نشان می‌دهد که اگر چه هیچ دولتی را نمی‌توان بر خلاف میل و خواسته‌اش مقید ساخت، ولی می‌توان برخی از مسایل و مشکلات را از طریق همکاری حل و فصل نمود (پرم، ۱۴۰۲: ۴۶۴-۴۶۱).

– اصل همکاری در حوزه رودخانه راین

کشورهای حوزه رودخانه راین در راستای حفاظت از این رودخانه، به تاسیس سه کمیسیون مبادرت نمودند که کماکان نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این سه کمیسیون اصلی عبارتند از: «کمیسیون مرکزی دریانوردی در رودخانه راین» که به مثابه یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود که بر اساس سند نهایی کنگره وین در سال ۱۸۱۵ به تصویب رسید. هدف اصلی این کمیسیون نیز اطمینان از اصل آزادی کشتیرانی در رودخانه راین و انشعابات آن و تاسیس یکی رژیم حقوقی واحد در حوزه این رودخانه میان کشورهای بلژیک، هلند، آلمان، سوئیس و فرانسه است. کمیسیون دیگر این موضوع، «کمیسیون بین‌المللی هیدرولوژیکی حوزه رودخانه راین» است که در سال ۱۹۷۰ میلادی تاسیس شد و هدف اصلی خود را معطوف به بحث و بررسی علمی و تحقیقاتی در میان موسسات علمی و دانشگاهی و با هدف تحقق اقدامات مشترک هیدرولوژیکی در راستای تحقق توسعه پایدار در حوزه رودخانه راین نموده است. این کمیسیون بر تحقیقات مشترک، تبادل اطلاعات، روش‌ها و توسعه آیین‌های دادرسی، سنجش معیارها و انتشار آنها و توسعه دانش

هیدرولوژیک در حوزه رود راین و همکاری به منظور حل مشکلات حاشیه رودخانه راین از طریق مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، تاکید می‌ورزد. علاوه بر آن، این کمیسیون نقشی هماهنگ‌کننده دارد، بدین معنا که می‌بایست فعالیت‌های خود را با سایر کمیسیون‌ها هماهنگ نماید. اعضای این کمیسیون عبارتند از: سوئیس، استرالیا، آلمان، فرانسه، لوگزامبورگ و هلند. سومین نهاد منطقه‌ای برای حفاظت رودخانه راین، کمیسیون بین‌المللی حفاظت از رودخانه راین با هدف مقابله با تشدید آلودگی است که در سال ۱۹۵۰ میلادی تاسیس شد. توسعه روابط دیپلماتیک در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی، اساسی برای توسعه همکاری‌های فرامرزی گردید. با این حال، به تدریج ثابت شد که این مبنا برای همکاری کافی نیست. چرا که یادداشت‌های دیپلماتیک شامل توافقاتی در رابطه با ریاست، نظارت و ارزش مطالعات و موارد دیگر نمی‌شود. سرانجام این کمیسیون در راستای کنوانسیون برن در سال ۱۹۶۳ پایه و اساس حقوقی خود را دریافت کرد. این کمیسیون مکلف به همکاری با دو کمیسیون قبلی و نیز کمیسیون‌های بین‌المللی که از ثبات دریاچه‌ها و انشعابات فرامرزی آنها در برابر آلودگی حفاظت می‌کنند، می‌باشد. این کمیسیون همچنین باید بررسی و مطالعات را از لحاظ نوع و منبع فرمول‌بندی کند و موافقت‌نامه‌هایی را با محتوای آلودگی رودخانه راین بین کشورهای همکاری‌کننده، تنظیم نماید. اعضای این کمیسیون عبارتند از: آلمان، فرانسه، لوگزامبورگ، هلند و سوئیس. علاوه بر نهادهای منطقه‌ای یاد شده برای حفاظت رودخانه راین، سیستم کنترل و ارزیابی رودخانه راین نیز تاسیس گردیده است. بعد از ایجاد کمیسیون حفاظت از رود راین در برابر آلودگی در سال ۱۹۵۰، این کمیسیون شروع به بررسی و مطالعه بر روی انواع آلودگی و میزان آن نمود. در این راستا، یک شبکه کنترل و ارزیابی بدین‌منظور ایجاد شد و مقایسه نتایج افزایش پیدا کرد. این فعالیت مهم، یک مبنای مشترک را به‌منظور ارزیابی عینی کیفیت آب رودخانه راین را تامین می‌کرد. به عبارت دیگر، این ارزیابی و کنترل، مبنایی را برای اقدامات مشترک فراهم نمود و نتیجه آن، همکاری موسسات علمی شش کشور حوزه رودخانه راین با کمیسیون‌های راین از سال ۱۹۷۰ تا زمان حاضر بوده است. هر چند اکثر سازمان‌های حوزه رودخانه راین فقط بر جنبه علمی رودخانه همچون دریانوردی، کیفیت آب رودخانه و ... تاکید می‌ورزند، با این حال، همه سازمان‌های رودخانه اهمیت خود را اثبات نموده‌اند (امیری پدبانی^{۲۳} و همکاران، ۲۰۲۵: ۷-۱۰). قواعد همکاری برای کلیه کمیسیون‌ها بر اساس اصل اجماع طرفین استوار بوده و در واقع از این طریق است که می‌توان به ایجاد پشتیبانی، الزام و تعهد در قبال توصیه‌ها و پیشنهادها دست یافت. یکی از تعهدات نخستین کمیسیون‌ها، اعلام گزارش‌های مشترک بر اساس «اساس‌نامه رودخانه راین» و روند اقدامات اجرایی می‌باشد که تحقق این موضوع سبب افزایش اطمینان و اعتماد اعضا به یکدیگر خواهد شد. اعضای کمیسیون ملزمند سازوکارهای لازم را در نظام حقوقی خود در راستای نیل به اهداف کمیسیون‌ها ایجاد نمایند. هر کمیسیون نیز مشتمل بر یک دبیرخانه فنی است که دارای یک مقام هماهنگ‌کننده و با هدف پشتیبانی از تمامی سطوح است. این مقام هماهنگ‌کننده با هدف اجرای مستمر کارها اهمیت بالایی دارد و یکی از کارکردهای مهم آن، ارزیابی علمی غیرقابل نزاع حقایق و تحقق همکاری پایدار میان اعضا است. در حوزه رودخانه راین، اصل همکاری در میان کمیسیون هیدرولوژیکی راین، کمیسیون حفاظت از آلودگی در راین و کمیسیون مرکزی دریانوردی در راین بایستی به نحو مستمر و فزاینده‌ای ارتقاء یابد، زیرا این موضوع توانایی بالایی در ارائه یک الگو مناسب و اثربخش در راستای توسعه همکاری‌ها و تعاملات در سطوح منطقه‌ای دارد (ادریس خان^{۲۴} و همکاران، ۲۰۲۴: ۵۱۹-۵۲۲).

- رویکردهای ایران در موضوع همکاری‌های بین‌المللی محیط‌زیست

ایران به عنوان یک عضو فعال در سازمان ملل متحد، به ویژه در برنامه محیط‌زیست ملل متحد و سایر کنفرانس‌های بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست، همکاری فعال و مشارکت گسترده‌ای با محیط‌زیست جهانی دارد. این همکاری شامل شرکت در کنفرانس‌ها، پرداخت حق عضویت، و تلاش برای دستیابی به اهداف بین‌المللی مربوط به محیط‌زیست است که در ذیل بدان خواهیم پرداخت:

۱. مشارکت در سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی

23. Amiri-Pebdani

24. Idris Khan

- ایران از ابتدا در تاسیس و فعالیتهای برنامه محیط زیست ملل متحد شرکت داشته و حق عضویت سالانه را پرداخت می کند؛
 - نماینده دایم ایران در نایروبی، مقر برنامه محیط زیست ملل متحد، فعالیتهای دیپلماتیک در زمینه محیط زیست را انجام می دهد؛
 - رئیس سازمان محیط زیست ایران عضو مجمع محیط زیست ملل متحد، بالاترین نهاد برنامه محیط زیست ملل متحد است.
۲. تلاش برای پیشبرد اهداف بین المللی
- ایران در سطح بین المللی تلاش های جدی برای پیشبرد اهداف بین المللی مربوط به محیط زیست در دست دارد؛
 - دیپلماسی ایران در سطح منطقه ای، اهتمام ویژه ای برای برنامه ریزی، همکاری و مقابله با چالش های محیط زیستی از جمله گردوغبار، سیل و خشکسالی قائل است؛
 - ایران در زمینه محیط زیست همواره آمادگی خود را در راستای ارتقای همکاری با سایر کشورها در زمینه های فناوری، تکنولوژیکی، آموزشی و حتی اقتصادی اعلام کرده است.
۳. همکاری با سایر کشورها:
- ایران دیپلماسی فعال خود را در زمینه محیط زیست با سایر کشورها، از جمله در سطح منطقه ای، گسترش می دهد. این موضوع به ویژه در خصوص دیپلماسی محیط زیستی در خلیج فارس بارها انجام شده است؛
 - ایران تلاش می کند تا با سایر کشورها در زمینه های مختلف محیط زیستی، از جمله مقابله با گردوغبار، سیل و خشکسالی، همکاری کند. این موضوع به ویژه در خصوص کشورهای افغانستان، ترکیه و عراق در خلال سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ بسیار ارتقا یافته است.

بحث و نتیجه گیری

- موضوع محیط زیست، مسئله ای بین المللی بوده، زیرا پیامدهای آن صرفاً برای یک کشور یا یک محیط خاص جغرافیایی نیست، بنابراین موضوع مسئولیت در قبال محیط زیست موضوعی است که اولاً نیازمند تعامل جمعی و در ادامه مسئولیت و تعهد تمامی کشورهاست. در راستای این موضوع بایستی اصل تعهد و مسئولیت تمامی دول مورد تاکید قرار گیرد و در راستای حراست از محیط زیست مجموعه سازوکارهای لازم و اثربخش همچون تامین زیرساخت های لازم، تکنولوژی های نوین، آموزش در سطوح وسیع، همکاری در زمان بحران و طرح و اجرای قوانین و مقررات جامع مورد کاربست قرار گیرد. از یک سو واقعیت این است که بسیاری از کشورهای جهان کماکان در مسایل اصلی خود به موضوعات اقتصادی و تجاری در راستای کسب بیشترین منافع چشم دوخته و این موضوع یکی از اصلی ترین دلایل اعمال خسارت به محیط زیست شده است و از سویی دیگر، مجموعه سازوکارهای حقوقی در راستای محیط زیست اعم از قوانین و مقررات عرفی و اخلاقی و حتی الزام آور، از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده است، آلودگی بیش از پیش محیط زیست در مسایلی همچون آلودگی آب، خاک، نابودی گونه های گیاهی و جانوری شاهی بر این ادعاست. یکی از مسایلی که در خلال سال های گذشته و در راستای حراست از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است، اصل همکاری های بین المللی بوده است. این مفهوم در معنای نخست خود دلالت بر تعمیق ارتباطات و گسترش همکاری ها میان کشورهای جهان با هدف حفاظت از محیط زیست دارد.
- پژوهش حاضر نیز هدف خود را معطوف به بررسی در خصوص کاربست اصل همکاری با تاکید بر حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل از دو منظر منابع الزام آور و غیرالزام آور نموده است. بر این اساس سوال اصلی پژوهش ارائه پاسخی مستدل به این سوال بوده است که مهمترین کارکرد اصل همکاری بین المللی در موضوع حفاظت از محیط زیست مبتنی بر چه مواردی است؟ نتایج حاصل از بحث و بررسی در این مقاله نشان داد می توان از منابع الزام آور و غیرالزام آور در راستای تحقق هر چه بهتر اصل تعامل و همکاری در حقوق بین الملل با هدف حفاظت از محیط زیست استفاده نمود. در راستای نیل به این مهم توجه به موارد زیر به نظر ضروری می باشد:
- از منظر قلمرو جغرافیایی، موضوع همکاری و تعامل میان کشورها می تواند در سطوح محلی، منطقه ای و جهانی مطرح گردد، زیرا همان گونه که مطرح شد، موضوع محیط زیست پیامدهای گسترده محلی، منطقه ای و جهانی دارد.
 - از منظر زمانی نیز اصل همکاری در موضوع زیست می تواند قبل و بعد از بحران های ایجاد شده اثربخش باشد؛

- از منظر حوزه شمول و محتوا اصل همکاری در موضوع محیط‌زیست، قابلیت بالایی در تعاملات و همکاری‌های علمی، تکنولوژیکی، مالی، آموزشی و ... را دارد تا بتوان به تمامی کشورها در راستای حفاظت هر چه بهتر از محیط‌زیست کمک نمود.
 - از منظر دامنه همکاری نیز بایستی اذعان داشت اصل همکاری در موضوع محیط‌زیست، قابلیت بالایی در ایجاد تعامل میان نهادهای سازمان‌ها، دولت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دارد.
- به‌طور کلی، اصل همکاری در سطح منطقه‌ای در میان کشورهای صنعتی و توسعه یافته به مراتب در شرایط بهتر و سازنده‌تری قرار داشته و اصل تعامل و همکاری در موضوع محیط‌زیست به نحوی پویاتر و همیشگی مورد کاربرست قرار می‌گیرد، این در حالی است که در میان کشورهای در حال توسعه اولاً به سبب ضعف ساختاری در تامین فناوری‌های لازم و نیز موسمی بودن (موقتی بودن) تعامل در موضوع محیط‌زیست، این موضوع شرایط جالبی ندارد. بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی بایستی اشاره داشت که تحقق هر چه بهتر و اثربخش‌تر در موضوع همکاری بین‌المللی در محیط‌زیست نیازمند اولاً تاسیس کمیسیون دایمی در سازمان ملل متحد است و ثانیاً نیازمند اصل نهادینگی در تعامل و همکاری بین‌المللی است تا بتوان این موضوع را به اصلی جامع، دایمی و با نظارت قدرتمند مبدل نمود. بنابراین، از آنجایی که کشورها در نظام بین‌الملل متکی به اصل تعامل و همکاری مادی و معنوی هستند، بایستی این اصل را در موضوع محیط‌زیست نیز موردنظر قرار داده تا بتوان به مفهوم توسعه پایدار دست یافت، زیرا تحقق توسعه پایدار، در کنار ارتقای شرایط اقتصادی، آموزشی و فرهنگی بشر موضوع محیط‌زیست را به شدت مورد توجه قرار داده است. این موضوع نیازمند طرح، اجرا و نظارت دقیق از سوی کمیسیون‌های مشترک بین‌المللی است که بتواند مجموعه اصول و قوانین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را به نحوی اثربخش و با قابلیت بالای بازدارندگی مورد کاربرست قرار دهد.

منابع

- ابطحی، شراره. (۱۴۰۰). حفاظت از گونه‌های زیستی. تهران: مجد.
- پرمن، راجر. (۱۴۰۲). اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی. ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نی.
- طیعی، سبحان. (۱۳۹۶). دیپلماسی محیط‌زیست. تهران: مجد.
- کارخانه، مرتضی. (۱۴۰۱). تحلیل اسناد بین‌المللی محیط‌زیست. تهران: مجد.
- مسعودی‌فر، هادی. (۱۴۰۳). امنیت انسانی در پرتو قواعد محیط‌زیستی. تهران: نگاه معاصر.
- نادری، شیمیا. (۱۴۰۰). اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰. تهران: مجد.
- کیس، الکساندر. (۱۳۹۸). حقوق محیط‌زیست. ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- Amiri-Pebdani, S., Alinaghian, M., & Khosroshahi, H. (2025). Energy pricing and investigating international trade law considering renewable energy investments under the cap-and-trade system: A game theoretic approach. *Journal of Applied Energy*, (381), 1-25. <https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2024.125155>
- Arias, A., Ladakis, D., Ioannidou, S., Triantafyllidis, K., Feijoo, G., Moreira, M., & Koutinas, A. (2025). Lignin as a renewable resource for bio-oil and oligomers production. An environmental perspective. *Journal of Environmental Technology & Innovation*, (38), 183-208. <https://doi.org/10.1016/j.eti.2025.104192>
- Beringen, E. (2024). Uncertain, unstable and unequal: Can regime interaction help international fisheries law address anthropocene challenges? *Journal of Marine Policy*, (165), 410-433. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2024.106158>
- Idris Khan, M., Dong, B., He, Q., & Liu, M. (2024). Navigating the waves of change—Assessing the evolving landscape of China's revised marine environmental protection law. *Journal of Marine Policy*, (169), 511-534. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2024.106371>
- Iliopoulou, K., Scaramuzzo, G., Ferrer, R., & De Waele, J. (2025). Environmental sustainability in intensive care: An international survey of intensive care professionals 'views, practices and proposals to the European Society of Intensive Care Medicine. *Journal of Journal of Critical Care*, (88), 1-24. <https://doi.org/10.1016/j.jcrc.2025.155079>

- Karuppasamy, K., Mayyas, A., Alhseinat, E., Hassan-Beck, H., & Alfantazi, A. (2024). Exploring lithium extraction technologies in oil and gas field-produced waters: from waste to valuable resource. *Journal of Chemical Engineering Journal Advances*, (20), 270-286. <https://doi.org/10.1016/j.ceja.2024.100680>
- Kassie, D. (2024). Unravelling the legal labyrinth: Investigating barriers to effective adoption and enforcement of international environmental law in domestic jurisdictions. *Journal of Environmental Management*, (352), 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2023.119944>
- Kılıc, O. (2025). Promotion of cooperation in a co-evolutionary pragmatic agent multigame environment. *Journal of Physics Letters A*, (533), 114-136. <https://doi.org/10.1016/j.physleta.2024.130197>
- Kingsley John, C., Ajibade, F., Kumar, P., Fadugba, O., & Adelodun, B. (2025). The impact of international agreements and government policies on collaborative management of environmental pollution and carbon emissions in the transportation sector. *Journal of Environmental Impact Assessment Review*, (114), 33-58. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2025.107930>
- Kojima, C. (2023). Integration of general principles of international environmental law into the law of the sea: Assessment and challenges. *Journal of Marine Policy*, (149), 869-890. <https://doi.org/10.1016/j.marpol.2023.105497>
- Li, Y., Zhang, X., Alofaysan, H., & Jiang, X. (2025). Mining in the Amazon: An exploration of the tensions between infrastructure development, environmental protection, and indigenous rights under international and national laws. *Journal of The Extractive Industries and Society*, (22), 206-228. <https://doi.org/10.1016/j.exis.2025.101628>
- Livas, S., & Butts, C. (2025) Birds of a feather sign together: Co-ratification patterns in the International environmental agreement network. *Journal of Social Networks*, (82), 181-203 <https://doi.org/10.1016/j.socnet.2025.03.007>
- Luo, C., & Chen, Z. (2024). Why has China invested heavily in countries with weak market environments? A new explanation and implications for China-Africa economic cooperation. *Journal of China Economic Review*, (88), 331-350. <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2024.102245>
- Pina, R., De Silva, V., & Artaud, C. (2025). Discovering causality for efficient cooperation in multi-agent environments. *Journal of Neurocomputing*, (642), 798-814. <https://doi.org/10.1016/j.neucom.2025.130358>
- Plasse, K., & Torok, B. (2025). Environmental Pollution, Safety Concerns and National and International Regulatory Agencies. *Journal of Encyclopedia of Green Chemistry*, (1), 92-114. <https://doi.org/10.1016/B978-0-443-15742-4.00123-X>
- Polo-Villanueva, F., Sarker, P., Giessen, L., & Burns, S. (2025). How do international donors influence regional environmental governance? The case of the Amazon Cooperation Treaty. *Journal of Environmental Development*, (55), 198- 218. <https://doi.org/10.1016/j.envdev.2025.101204>
- Shehu Imam, S., Sani, S., Mujahid, M., & Adnan, R. (2025). Valuable resources recovery from palm oil mill effluent (POME): A short review on sustainable wealth reclamation. *Journal of Waste Management Bulletin*, 3(1), 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.wmb.2024.12.002>
- Sun, X., & Wang, Y. (2025). Ecological Indicators. *Journal of Environmental Technology & Innovation*, (170), 437-455. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2024.112982>
- Tatar, M., Harati, J., Farokhi, S., Taghvaei, V., & Wilson, F. (2024). Good governance and natural resource management in oil and gas resource-rich countries: A machine learning approach. *Journal of Resources Policy*, (89), 330-353. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.104583>
- Usman, O., Ozkan, O., & Ike, G. (2024). Global evidence of multi-dimensional asymmetric effect of energy storage innovations on environmental quality: Delineating the role of natural resources, nuclear energy and oil consumption. *Journal of Cleaner Production*, (451), 330-353. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2024.142070>
- Xia, L., Chen, M., Li, G., & Ann, T. (2024). Can photocatalysis inhibit interspecies bacterial cooperation to quench the formation of robust complex bacterial biofilms in water environments? *Journal of Water Research*, (262), 14-33. <https://doi.org/10.1016/j.watres.2024.122137>
- Zakari, A., Le, T., & Nepal, R. (2025). How do domestic attributes affect international spillovers of environmental efficiency in Africa? *Journal of Environmental Management*, (384), 220-247 <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2025.125531>
- Zhao, Q., He, Z., Wang, X., & Shi, L. (2024). Cooperation can emerge in the co-evolution of the local environments. *Journal of Applied Mathematics and Computation*, (481), 688-702. <https://doi.org/10.1016/j.amc.2024.128945>



The Cooperation Paradigm in International Environmental Law: The Role of Binding and Non-Binding Sources

Mohammad Ali Jafari^{*1}, Mojtaba Salmani Jelodar²

1. Corresponding Author, Department of Law, Go. C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Email: Mohammadali.jafari1404@iaui.ac.ir
2. Department of Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran. Email: Mojtabasalmani218@gmail.com

Accepted: 2025/05/20

Received: 2025/06/30

Abstract

One of the most important human endeavors in the last century has been the effort to design, implement, and apply as well as possible a set of legal, political, and economic laws and rules with the aim of protecting the environment. Among these, an issue that is capable of serious discussion and examination from a customary and legal perspective is the principle of interaction centered on environmental protection. Accordingly, the purpose of the present study is to apply the cooperation paradigm with an emphasis on environmental protection in international law from the perspectives of binding and non-binding sources. The main question of the present study is: "What has been the most important function of the principle of international cooperation in the issue of environmental protection been based on?" The research hypothesis implies that the issue of environmental protection with an emphasis on the principle of cooperation can be examined from the perspectives of binding and non-binding legal sources. The findings of the research, using a descriptive-analytical method and examining international legal and environmental documents, showed that each of the binding and non-binding sources has different dimensions and angles in order to better realize the principle of interaction and cooperation in international law with the aim of protecting the environment, and the application of each has been able to achieve part of the important concern of environmental protection.

Keywords: Cooperation, Deterrence, Environment, International law, Requirements.

Cite this article: Jafari, M. A., & Salmani Jelodar, M. (2025). The Cooperation Paradigm in International Environmental Law: The Role of Binding and Non-Binding Sources. *Environment and Development Journal*, 16 (31), 119-132. <https://doi.org/10.22034/eiat.2025.250842>

© The Author(s).

Publisher: Iranian Association for Environmental Assessment



DOI: <https://doi.org/10.22034/eiat.2025.250842>
